

حادثه

انهدام دو باند جعل اسکناس

• ایسنا: معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی ناجا با اشاره به اینکه ۹۴درصد از پرونده‌های جعل در ۹ماهه گذشته به نتیجه رسیده است، از انهدام دو باند جعل اسکناس در کشور خبر داد.
سرهنگ مهرداد امیدی گفت: در ۹ ماه گذشته، ۶۷۹ هزار و ۹۰۰ پرونده در پلیس آگاهی در موضوع جعل مورد رسیدگی قرارگرفت که به دستگیری ۹ هزار و ۳۰۰ نفر انجامید و برای ۸۲درصد آنان قرار تأمین قضایی صادر و به زندان معرفی شدند.
معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی ناجا همچنین از کشف ۲۷ هزار و ۸۰۰ برگ سند، مدرک و مهر جعلی خبر داد و افزود: حدود ۴۸درصد از اسناد و مدارک، اوراق بانکی، هفت درصد اسناد و مدارک شناسایی، چهاردرصد اسناد مالکیت، یک‌درصد اسناد و مدارک تحصیلی، چهار درصد اعلامِ صنعتی و تجاری، ۲۹درصد سایر اسناد و مدارک دولتی و هفت درصد اسناد و مدارک شخصی است.
امیدی با اشاره به اینکه در سال ۹۱ با اقدامات اطلاعاتی پلیس، باندهای فعال در زمینه چاپ اسکناس و چک‌پول جعلی در کشور منهدم شد، تصریح کرد: این تلاش پلیس منجر به کاهش آمار جعل اسکناس و چک‌پول شده است به طوری که سال گذشته ۷۰درصد از اسناد جعلی، اسناد و مدارک بانکی را تشکیل می‌دادند اما این رقم در ۹ ماهه اسناد به ۴۸درصد رسید.
امیدی، از انهدام دو باند جعل اسکناس در آذربایجان غربی خبر داد و افزود: اولین باند، ماه گذشته در مهاباد شناسایی شد که اعضای این باند با تشکیل کارگانه به مساحت ۲۰۰ متر در طبقه دوم یک ساختمان، با استفاده از انواع دستگاه‌های چاپگر و اسکنر، اقدام به جعل اسکناس می‌کردند. وی از شناسایی و انهدام باند دیگری نیز در مهاباد خبر داد و نحوه شناسایی این باند را این‌گونه توضیح داد: پلیس آگاهی شهرستان سواجبلخ، فردی را با تعدادی اسکناس جعلی دستگیر کرده و متهم در بازجویی‌ها اعتراف می‌کند که اسکناس‌ها را از شخصی در مهاباد خریداری کرده که با همکاری ماموران مهاباد، اعضای این باند نیز شناسایی و دستگیر می‌شوند. به گفته امیدی، افزایش آگاهی کارکنان پیشخوان‌هاهمانند پلیس +۱۰، دفاتر دولت الکترونیک، دفاتر پستی و… در تشخیص مدارک جعلی، افزایش ایمنی اسناد و مدارک مهم مانند گواهینامه، گذرنامه، کارت معافیت و پایان خدمت، کارت ملی و…، ماکلیزه‌شدن اقدامات و تشکیل بانک اطلاعاتی، اشراف سازمان‌های تولیدکننده اسناد به اشکالات مدارک تولیدی و تلاش آنان برای رفع این ضعف و درنهایت تلاش مضاعف پلیس، منجر به افزایش ریسک جعل و شناسایی و کشف اسناد و مدارک جعلی شده است.

پنجشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۹۱

گفت‌وگو با مسوول واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی دانشگاه علوم پزشکی مشهد:

حوادث

محکومان به مرگ نمی‌توانند اهدای عضو کنند

حلق‌آویز کرده بودند اما در ۲۴ مرد پیوندی که از سال ۸۳ تاکنون در دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام دادایم تاکنون خانواده این افراد رضایت نداده‌اند البته پزشکی قانونی هم اوایل چنین موردی را اجازه نمی‌داد اما اخیراً گفته‌اند اگر خانواده متوفی از کسی شکایت نداشته باشد امکان پیوند عضو وجود دارد.



• اگر فردی که محکوم به مرگ است وصیت کند اعضای بدنش بعد از اجرای حکم اهدا شود چنین امکانی وجود دارد؟

سازمان بهداشت جهانی با این کار به‌شدت مخالف است. از نظر قانونی هم در اکثر کشورها با این کار مخالفت شده اما متأسفانه قوانین چند کشور چنین امکانی را می‌دهند و در این مواقع محکوم را با داروی بیهوشی می‌کشند و اعضای بدنش را اهدا می‌کنند. سازمان بهداشت جهانی هم معتقد است این عمل غیرانسانی است. از طرفی فردی هم که قرار است اعضا را دریافت کند وقتی بیهمد اعضای بدن یک قاتل در بدنش است حس خوبی نخواهد داشت. علاوه بر این اگر قانون اجازه چنین کاری را بدهد وقتی حکم مرگ برای فردی صادر می‌شود ممکن است این شایبه به وجود بیاید که حکم مرگ را برای استفاده از اعضای بدنش صادر کرده‌اند البته در کشورهای مختلف هنوز بین اساتید اختلاف نظر وجود دارد.

• اولین حادثه‌ای که در واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی

با آن روبه‌رو شدید چه بود؟

اولین مورد مربوط به سال ۸۲ است. جوانی ۱۹ساله سوار بر موتور تصادف کرده و سرش زمین‌خورده و مرگمغزی شده بود. چهار برادر داشت که با مادرشان به بیمارستان آمده‌اند. آنها حالت بسیار تهاجمی داشتند و وقتی ما مرگمغزی را توضیح می‌دادیم خیلی آشفته شدند و دادوفریاد کردند. در آن شرایط اصلاً نتوانستیم بحث اهدای عضو را مطرح کنیم. ما چند بار با آنها روبه‌رو شدیم، اما آن‌قدر عصبی بودند که موضوع مطرح نشد. البته فکر کنم یکی از آنها فهمیده بود قضیه اهدای عضو است و تهدید کرده بود بیمارستان را آتش می‌زند و در نهایت قلب آن جوان از کار ایستاد و رضایت ندادند.

از نگاه آمار

آمار پیوند اعضا در ایران اگر چه هنوز از میانگین جهانی پایین‌تر است اما در سال‌های اخیر نسبت به سایر کشورها رشد بیشتری داشته است.
آمار اهدای عضو در کشورهای اروپایی و آمریکایی سه‌سال پیش، بین ۲۰ تا ۲۵ مورد در هر یک‌میلیون نفر بود.
این آمار در اسپانیا به عنوان کشور پیشرو به ۲۵مورد در یک‌میلیون نفر می‌رسید.
در حالی که در ایران این میزان فقط ۹ تا ۱۲نفر در یک‌میلیون نفر بود.
اسمال در حالی که آمار اهدای عضو در ایران به معادل ۵/۷ مورد در هر یک‌میلیون نفر رسیده، آمار کشور اسپانیا به رقم ۳۴/۳ نفر در یک میلیون نفر و در سایر کشورهای اروپایی نیز به ۱۰ تا ۲۰مورد در یک میلیون نفر کاهش یافته است.

• شغل شما طوری است که تلخ و شیرین را با هم دارد.
از یک طرف فردی فوت می‌شود و از طرف دیگر بیماری نجات پیدا می‌کند

در واحدهای فراهم‌آوری اعضای پیوندی قسمت‌های مختلفی وجود دارد اما در این بین دو قسمت عمده داریم که اولی بخش اهداکنندگان و دومی بخش گیرندگان است. بخش اهداکنندگان هم همان قسمتی است که افراد متأسفانه در آن دچار مرگمغزی می‌شوند، این بخش تلخ قضیه است. در بخش گیرندگان هم تلخ و شیرین را با هم داریم، چون در آنجا افرادی داریم که دچار نارسایی کبد، قلب یا کلیه هستند و باید در فهرست انتظار ثبت‌نام کنند. بعد از فردی که دچار مرگمغزی شده و خانواده‌اش هم رضایت داده‌اند آزمایش خون می‌گیریم تا مشخص شود گروه خونی‌اش با کدام یک از افرادی که در فهرست انتظار هستند مطابقت دارد. وقتی آزمایش‌ها تمام شد فرد موردنظر را فراخوان می‌کنیم. یکی از چیزهای بدی که در این قسمت وجود دارد این است که فردی بعد از سال‌ها رنج در فهرست انتظار فوت شود. بخش اهداکنندگان فقط تلخی دارد. ما انواع و اقسام مرگمغزی را در این بخش داشتیم، از بچه‌شش‌ماهه گرفته تا افراد بالای ۶۰ سال، اما اگر بخواهم از شیرینی‌ها بگویم آن زمانی است که پیوند انجام می‌شود و فردی که در آستانه مرگ خوب شده، مرخص می‌شود. برخی موارد وجود دارد که ما مجبوریم برای خانواده‌ای که یکی از عزیزانشان مرگمغزی شده است ۱۰ بار توضیح بدهیم که مرگمغزی چیست- در تمام مدت امیدمان این است که شاید خانواده متقاعد شود و ما حداقل بتوانیم یک دو یا سه نفر از افرادی را که در فهرست انتظار هستند از مرگ حتمی نجات بدهیم.

• توصیه خاصی برای اینکه خانواده‌ها با اهدای کدام اعضا موافقت کنند وجود دارد؟

من فکر می‌کنم هر کسی که می‌خواهد در وصیتش اهدای عضو کند، کلیه‌هایش را حتماً اهدا کند، اما بهتر است اگر کسی قصد وصیت و اهدای عضو دارد همه اعضا را اهدا کند.

قتل شوهر صیغه‌ای خواهر

یک چاقو برداشتم. قصد ام این نبود که حمید را بزنم در واقع می‌خاستم با چاقو او را از خودم دور کنم اما حمید بدتر کرد. او با چاقوی ضامن‌دار به من حمله کرد برای اینکه از خودم دفاع کنم یک ضربه به او زدم خیلی از دشتش عصبانی بدم و نمی‌توانستم جلوی این عصبانیت را بگیرم به همین دلیل هم ضربات بعدی را بر بدن مقتول وارد کردم.

متهم ادامه داد:خواهر و مادرم فریاد می‌زدند و می‌خواستند سمت حمید بیایند که من جلوشان را گرفتم. خواهرم را به آشپزخانه بردم و دست‌هایش را بستم که نتواند بیرون بیاید، دیدم مادرم به سمت حمله کرد، مادرم را هم به سمت اتاق بردم و دست و پایش را بستم بعد به حیاط آمدم. حمید را بلند کردم و داخل ماشین گذاشتم و به سمت بیمارستان حرکت کردم. در راه مرتب با او صحبت می‌کردم که بیهوش نشود. زخمش را با پارچه‌ای بسته بودم اما خونریزی‌اش شدید بود. بعد یکدفعه دیدم دیگر جواب حرف‌هایم را نمی‌دهد، رنگش سفید شده بود و به نظر می‌رسید مرده است. شاهین گفت: داخل یک کوچه پیچیدم و پیاده شدم.

نض حمید را گرفتم:نمی‌د. دیگر نمی‌شد کاری کرد. حمید فوت کرده بود. جسد را از روی صندلی عقب برداشتم و داخل صندوق عقب گذاشتم، به سمت جاده ساوه حرکت کردم و وقتی به بیابان‌های اطراف رسیدم جسد را برداشتم و به بیرون انداختم، بعد ماشین را تمیز کردم و به خانه برگشتم.

با توجه به اعتراضات شاهین بازسازی صحنه انجام شد و کیفرخواست علیه متهم صادر شد. این پرونده برای رسیدگی به شعبه ۲۴ دادگاه کیفری استان فرستاده شد و شاهین به زودی محاکمه می‌شود.



جوان در بازجویی‌ها گفت شوهرخواهرش را به قتل رسانده و جسد او را در بیابانی رها کرده است. متهم در تحقیقات گفت: شب حادثه به خنده خودم رفتم. قرار بسود پیش او و مادرم باشم، هنوز چند دقیقه‌ای از رسیدن نگذشته بود که حمید هم آمد. او شوهر صیغه‌ای

خواهرم بود اما مدتی بود که صیغه آنها تمام شده بود و چون او خوشم نمی‌آمد به آمدنش اعتراض کردم. به حمید گفتم چرا آمده‌ای جواب داد به تو ربطی ندارد و اینجا خانه زن من است تو چرا آمده‌ای من هم گفتم اینجا خانه خواهر من است و تو حق نداری وارد خانه شوی. من و حمید داشتیم در حیاط خانه با هم جر و بحث می‌کردیم که خواهر آمد. وقتی مژگان وارد حیاط شد حمید عصبانی شد و به سمت من حمله و مرا برت کرد. روی زمین افتادم. کنار دستم مقداری ظرف نشسته افتاده بود دستم را به داخل ظرف‌ها انداختم و

پنج قاره

آدم‌ربایی مرگبار
در اتوبوس حامل دانش‌آموزان

• ایسنا: مردی آمریکایی علیه سه شرکت هواپیمایی که به همسر جانش اجازه پرواز ندادند، شکایت کرد. همسر این زن گفت: سال گذشته قصد داشتیم با «هولما» که ازچاقی و دیابت رنج می‌برد از یکی از کشورهای اروپایی به نیویورک پرواز کنیم اما سه شرکت هواپیمایی این اجازه را به همسر ندادند. همسر این زن همچنین گفت: با وجود اینکه این شرکت‌های هواپیمایی ابتدا با پرواز همسرم موافقت می‌کردند اما هنگام سوارشدن از این کار سرباز می‌زدند تا اینکه «هولما» در اکتبر سال گذشته میلادی در محل اقامت‌مان در مجارستان فوت شد.این در حالی است که این زوج برای آغاز سفرشان با چنین مشکلی مواجه نشده بودند و به مجارستان رفته بودند اما تلاششان برای خرید بلیت بازگشت میسر نشد.

رخداد

تایید حکم اعدام مرد متجاوز

• شرق: حکم اعدام مرد سابقه‌داری که متهم است ۱۳ زن را ربوده و یکی از آنان را مورد آزار جنسی قرار داده ازسوی دیوانعالی کشور مورد تایید قرار گرفت. به گزارش خبرنگار ما، دو سال قبل دختر جوانی که برای دریافت پول وارد بانک شده بود به متصدی شعبه گفت از سوی چند جوان ربوده شده است و درخواست کمک کرد. بلافاصله رئیس بانک ماموران را در جریان قرار داد و از دختر جوان خواست از شعبه خارج نشود.دقایقی بعد وقتی ماموران رسیدند آدم‌ربانان فرار کرده بودند.

دختر جوان در شکایتی که به پلیس ارایه داد، گفت: زیر بل یادگار امام سسوار ماشینم شدم که سسر کار بروم. یک زن و دو مرد به‌جز راننده سسوار ماشینم بودند و فکر کردم راننده پراید مسافرش است. وقتی به جای خلوتی رسیدیم مردی که کنارم نشسته بود چاقویی درآورد و من را تهدید کرد و خواست هرچه پول دارم بدهم بعد هم کیغم را گشت و زنجیر طلایم را برداشت. آنها کارتهای عایربانکم را گرفتند. در عایربانک پول داشتیم اما چون زیاد بود نتوانستند همه آن را بردارند و قرار شد زنی که همراهشان است با سعید مردی که در صندلی جلو نشسته بروند، طلا خریداری کنند. دو مرد دیگر همچنان من را در ماشین نگه داشته و منتظر بودند دوستانشان برگردند آنها پایپ درآورند که شیشه بکشدند التماس کردم این کار را نکنند چون می‌دانستم به من تجاوز می‌کنند، به حرفم گوش ندادند و مقدار زیادی شیشه کشیدند همین‌طور که بی‌هدف در شهر پرسه می‌زدیم مرد راننده گفت که بنزین در حال تمام‌شدن است. وارد پمپ بنزین شدیم من را ترساندند و گفتند اگر سر و صدا کنیم مرا می‌کشند. خیلی ترسیده بودم بعد هم مرا به بیابانی بردند و مورد تجاوز قرار دادند. هرچه خواش کردم توجهی نکردند، مهدی کسی بود که من را مورد تجاوز قرار داد.

این دختر ادامه داد: آن دو مرد متوجه شدند که دوستانشان موفق به خرید طلا نشده‌اند و تلفن‌شان را هم جوانی بدهند تک‌سر کردند که آنها فراری شده‌اند برای همین از من خواستند پولم را از بانک بیرون بکشم و به آنها بدهم. به این بهانه از ماشین پیاده و وارد بانک شدم و رئیس شعبه پلیس را خبر کردم. وقتی تحقیقات آغاز شد ماموران متوجه شدند زن و مردی جوان یک ساعت قبل از این حادثه توسط پلیس بازداشت شدند و مرد طلافروش اعلام کرده آنها سارق هستند. وقتی دختر جوان با آن دو نفر رو به‌رو شد آنها را شناسایی کرد و گفت که همدستان کسانی هستند که او را مورد تجاوز قرار دادند. زن و مرد بازداشتی اعتراف کردند که قصد داشتند با پول زن جوان طلا بخرند که شناسایی شدند. یکی از متهمان گفت: ما قصد داشتیم با این پول طلا بخریم. مرد طلافروش شک کرد و گفت که باید کارت شناسایی صاحب عایربانک باشد ما هم با دوستانمان تماس گرفتیم و گفتیم کارت شناسایی دختر جوان را بدهند. وقتی با کارت شناسایی برگشتیم متوجه شدیم پلیس منتظر ماست.

می‌خواستیم فرار کنیم که بازداشت شدیم. با همکاری این دو نفر پلیس موفق شد دو مرد فراری دیگر را هم شناسایی و بازداشت کند. تحقیقات از آنها ادامه پیدا کرد و ماموران فهمیدند متهمان علاوه بر این دختر ۱۲ زن دیگر را هم مورد سرقت قرار داده‌اند. آنها زنان و دختران جوان را به عنوان مسافر سوار و اموالشان را سرقت می‌کردند. با شناسایی شاکیان پرونده متهمان برای محاکمه درخصوص سرقت به دادگاه کیفری عمومی بعثت فرستاده شدند و هر کدام به اتهام آدم‌ربایی و سرقت به ۲۰ سال حبس محکوم شدند اما مهدی مردی که این دختر جوان را مورد تعرض قرار داده بود این‌بار به اتهام تجاوز به شعبه ۲۷ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. این جوان ادعا کرد نمی‌دانسته شاکي پرونده تمایلی به رابطه جنسی نداشته است. با این حال با توجه به مدارک موجود در پرونده و اعتراضات متهم وی به اتهام تجاوز به عنف به اعدام محکوم شد.

این رای مورد اعتراض متهم قرار گرفت و دیوانعالی کشور بیکار دیگر رای صادره را بررسی و در نهایت آن را مورد تایید قرار داد. پرونده مهدی برای طی کردن مراحل قانونی به دادسرای جنایی تهران فرستاده شد.

پریده اخبار

◀ **ریزش سقف خانه روستایی در پی بارش برف در آذربایجان شرقی، دو مرد را زیر آوار گرفتار کرد که امدادگران توانستند آنها را نجات‌بدهند.**

◀ **۷۶ نفر از جمله یک عروس و داماد که در محدوده بازار مسجدسلیمان در برف محاصره شده و گیر کرده بودند با تلاش جمعیت هلال احمر نجات یافتند.**

◀ **مردی که پس از قتل همسر و پسرش به مالی‌گریخته و در بازگشت به ایران دستگیر شده بود، با حکم قضات دادگاه کیفری استان تهران به قصاص و ۱۰ سال زندان محکوم شد.**

◀ **زن سارق که از ۱۰ مغازه دزدی کرده بود با استفاده از دوربین مداربسته شناسایی و توسط پلیس اراک دستگیر شد.**